

دیپلماسی فردا



نکته

جنگ نزدیک است… صدای طبل‌ها را می‌شنوم

•کمال خلیف
ماخد، روزنامه رای‌الیوم ۹۶/۸/۱۴

منطقه ما در حال حاضر دوران سخت زایش را می‌گذراند.نشانه‌های یک تنش نظامی، آشکارا خود را در افق نشان می‌دهد. هر کس که با القیاب‌سیاست‌آشناباشد،به‌آسانی می‌فهمد که استغفای سعدالحریری با هماهنگی سعودی‌ها انجام شده‌است؛استغفایی که یک‌روزه و طی دیدار شش‌روزه او در عربستان سعودی انجام گرفت.با این وجود باید پرسید که آیا‌نشانه‌های بیشتری نیزدر خصوص وقوع یک جنگ محتمل وجود دارد؟

مقامات اسرائیلی معمولاًدر چنین مواردی باوضوح بیشتری سخن می‌گویند.برخی‌از مقامات نظامی و سیاسی اسرائیلی‌هااز مدت‌ها پیش صحبت از گشودن مجدد جبهه جنگ علیه حزب‌الله می‌زنند و حتی توصیه می‌کنند که این تصمیم را نباید به آینده موکول کرد. خلاصه‌صحبت آنها این است که حمله باید آنجایی آغاز شود که جنگ ژوئن ۲۰۰۶ پایان یافته بود،بیروت!

اسرائیل‌اما به خوبی بر این نکته واقف است که نقشه آنها این بار نباید با هیچ ریسکی روبه‌رو شود. آنها می‌خواهند جنگ‌را صد در صد برنده؛ چرا که کسب نتایج ضعیف به‌مثابه فاجعه‌ای بزرگ برای اسرائیل خواهد بود. نیز اسرائیلی‌ها به‌خوبی این موضوع را در کم می‌کنند که شرایط

سیاسی جهان عرب امروزه هیچ شباهتی به شرایط پیش‌از جنگ ژوئن ۲۰۰۶ ندارد. آنها این بار روی‌بخشی‌از رهبران جهان عرب که با اقدام آنها علیه حزب‌الله استقبال می‌کنند، حساب باز کرده‌اند. این موضوع را به‌راحتی می‌توان از مضمون بوق‌های تبلیغاتی کشورهای خلیج فارس آله‌فهمید.کاتل‌ها برای ماه‌های خلیجی حزب‌الله و گذری نمی‌کنند؛ناشنه‌های کافی را به اسرائیل داده باشند. این رها‌ن‌ها از جنگ داخلی سوریه و نیز از اختلافات فرقه‌ای و مذهبی به صورت ابزاری استفاده می‌کنند تا تصویری «شیطانی» از حزب‌الله لبنان ترسیم کنند.

البته ساده‌اندیشی است که تصور کنیم ریشه‌های مذکور صرفاً به همین تشویق و زمینه‌چینی بسنده می‌کنند، بلکه‌از مرحله‌ای به‌بعد،را دونوع هماهنگی و مشارکت عملی نیز می‌شوند. این همان کاری است که کلید آن در مرحله فعلی آغاز شده‌است. گمان ما آن است که اسرائیلی‌ها و شرکای آنها محاسبات خود را برای آغاز حمله در بهار آینده انجام داده‌اند.بهترین بستر وزمنه مناسب برای دست‌یابی‌از این هدف است. هدف اسرائیل آن است که داخلی‌نبرهای خود را در خلوط جنگی پیش‌از سال ۲۰۰۰ مستقر کند و این یعنی اشغال دوباره جنوب لبنان و رسیدن به کرانه رود لیطانی. آنها این‌بار به این موضوع اکتفا نخواهند کرد و در جبهه سوریه هم قصد پیشروی دارند. مشخصاً آنها می‌خواهند شهر قیطره را که از تش سوریه در سال ۱۹۹۲ آن را از اسرائیل بازپس گرفته بود، دوباره به اشغال خود در آورند. بدین‌سان آنان به منطقه استراتژیک «خان‌ارنیبه» دست خواهند یافت تا راه منتهی به دمشق را به کنترل خود در آورند. در مقابل، چننه حزب‌الله نیز این بار خالی نیست. فقط خدا می‌داند که حزب‌الله و هم‌پیمان‌ش چه نقشه‌ای برای مقابله با این سناریو تدارک دیده‌اند. قدر مسلم آنکه شرایط حزب‌الله امروزه هیچ شباهتی به شرایط این تشکیلات در سال ۲۰۰۶ ندارد. حزب‌الله امروزه علاوه بر انبوه موشک‌های دوربردش، تجربه‌های جنگی فراوانی را برای خود اندوخته است. به‌اعتقاد ما واحدهای نظامی‌ای حزب قطعاً شیوه‌های جنگی گذشته را تکرار نخواهد کرد. حزب‌الله به‌خوبی می‌داند که اسرائیلی‌ها بارها و بارها، به تجزیه و تحلیل و حلاجی شیوه‌های قدیمی آنها نشتست؛همچنان که شیوه‌های خود را نیز سنجیده تا شکستی جدید برای آنها رقم ن‌خورد.

از هم‌اکنون با قطعیت می‌توان گفت جنگ آینده که طبل‌زدن‌های آن هر روزه بیشتر شنیده می‌شود، جنگ واپسین منطقه خواهد بود؛ جنگی که نقشه‌ها و هم‌پیمایی‌های جدید را ترسیم خواهد کرد. شکست اسرائیل و پیروزی جبهه مقاومت در چنین جنگی اصلاح‌دور از ذهن نیست. ما هرگز آرزو نمی‌کنیم که جنگی در چنین ابعادی جامه واقعیت بپوشد، اما وظیفه ما حکم می‌کند که برای چنین جنگی آماده شویم. یادمان باشد که این وظیفه منحصر بر عهده مردان جنگی حزب‌الله و ارتش سوریه قرار ندارد، بلکه بر دوش تک تک ما نیز سنجینی می‌کند.

نیم‌نگاه

خاورمیانه دچار دو قطبی جدیدی شده‌است؛ در یک‌سو روسیه، ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و گروه‌های افغانستان و عراق قرار دارند و در سوی دیگر آمریکا، اسرائیل، شورای همکاری خلیج فارس و مصر قرار گرفته‌اند.

عربستان در ماه‌های گذشته تغییرات زیادی در حوزه داخلی و بین‌المللی انجام داده است. در خ‌ارج از مرزها عربستان در حال همکاری استراتژیک با اسرائیل است و در داخل اصلاحات دموکراتیک از بالا به پایین، از این منظر استغفای سعد حریری، سیاستمدار جوان لبنانی را نمی‌توان خ‌ارج از این قطب‌بندی‌ها دانست. اینکه حتی بیانیه استغفای حریری نیز از عربستان اعلام شد، نشانه‌های بسیاری در خود دارد.

بیانیه استغفای او دارای اتهامات بسیاری علیه ایران بود. نگاهی به تحولات اخیر لبنان می‌تواند نکاتی در مورد استغفای حریری برای ما آشکار کند. ا‌س‌را از نگرانی مقامات رژیم در مورد روند قدرت گرفتن مقامات محور مقاومت می‌تواند عامل استغفای حریری برای برهم‌زدن معادلات لبنان باشد. عربستان و آمریکا نیز با همین استدلال تمایل داشتند تا به‌وسیله‌ای فشارها بر حزب‌الله لبنان افزایش یابد.

دکتر رحمان قهرمان‌پور، پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه به روزنامه دنیای اقتصاد در این زمینه می‌گوید:«به نظر می‌رسد بعد از موضع‌گیری‌های اخیر دونالد ترامپ در باره ایران به‌ویژه سخنرانی معروفش، برخی قدرت‌های منطقه به‌طور مشخص عربستان امیدوار هستند

هدف قطب‌بندی‌های جدید خاورمیانه چیست؟

ترامپ وعده خود را در مورد مهار منطقه‌ای ایران عملی‌کنند در ائتلاف منطقه‌ای که قرار است آمریکا برای مهار ایران تشکیل دهد، سهمی هم برای این بازیگران در نظر بگیرد. به بیان دیگر، عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه گمان می‌کنند که عزم ترامپ برای مهار ایران از طریق نزدیکی آمریکا به متحدان سنتی خودش از جمله ریاض جدی است و باید پیش‌قدم شوند و سهم بیشتری در این فرآیند داشته باشند.»

ظاهراً بازی از لبنان آغاز شده‌است. در ادبیات

خاورمیانه اصطلاح جالب‌توجهی وجود دارد،

با این مضمون که لبنان دماسنج تحولات

خاورمیانه است؛ یعنی معمولاً وقتی خاورمیانه

قرار است دچار بحران شود، در لبنان یک اتفاقی می‌افتد؛ زیرا در لبنان تقریباً تمام قدرت‌های



جای خالی گفت‌وگوی منطقه‌ای در غیاب میانه‌روها

پژواک جنگ را می‌شنویم؟

روسیه مشوق جنگ میان ایران و عربستان!

•مر تقی سیمیاری •

روزنامه‌نگار

سوم اسفندماه سال ۹۵ حسن روحانی که برای دریافت پیام شش کشور عربی به کویت سفر کرده بود گفت که آماده‌گفت‌وگوی منطقه‌ای است. او البته پیش از این برجام منطقه‌ای را نیز طرح کرده، اما پیش‌نهادات او آنچنان که امید مورد توجه قرار نمی‌گیرد، به‌جای آن ولیعهد جوان عربستان می‌گوید: «جایی برای مذاکره وجود ندارد.» موشک بالستیک به سمت ریاض شلیک می‌شود، در تهران فرمانده سپاه می‌گوید ما امکان دادن موشک به حوثی‌ها را نداریم، اما صدای بلندی در ریاض و واشنگتن می‌گوید تهران موشک‌ها را دست‌ پمنی‌ها داده است. تهران فهمی می‌گوید عربستان می‌خواهد جنگ را به لبنان بکشاند، اما ثامر سهبان می‌گوید: «راه کنیم جنگ را به ایران می‌کشانیم، به لبنان احتیاجی نیست.» دیالوگ دیپلماتیک قابل‌فهمی بین ایران و عربستان وجود ندارد؛ هر چه هست صدای جنگ است که هر لحظه بلند و بلندتر می‌شود. مدت‌هاست میان ایران و عربستان جنگ سرد برقرار است، اما انگار وضعیت در حال تغییر است و ممکن است با ورود بازیگران جدید به صحنه مانند اسرائیل و عربستان جنگ شکل جدی‌تری به خود بگیرد.

یک رابطه مشابه

عربستان و ایران مدت‌هاست که نقشی مشابه یکدیگر بازی می‌کنند. ایران سعی در صدور

مهم منطقه‌ای نفوذ دارند، خواهان سهم

هستند و متحدانی دارند. بنابراین لبنان یکی از

عرصه‌هایی است که همیشه عرصه تضاد منافع

بازیگران منطقه‌ای محسوب شده است.

باید توجه داشت که استغفای حریری در شرایطی صورت‌گرفت که میشل عون بعد از مدت‌ها بن‌سنت سیاسی به‌عنوان رئیس‌جمهور در این کشور انتخاب شد و حزب‌الله نیز تا حدی همراهی کرد؛ در چنین شرایطی انتظار جدی‌است که این استغفا اتفاق بیفتد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که اعلام این استغفا از عربستان به این مناسبت است که تصمیم تحت فشار عربستان سعودی انجام گرفته‌است؛ بنابراین عربستان و برخی متحدان آن، یعنی متحدان سنتی سابق آمریکا، بعد از تحولات اخیر و سخنرانی ترامپ در باره ایران در حال آماده شدن برای داشتن سهم در سیاست آمریکا هستند و می‌خواهند از این

در تهران به پارلمان حمله می‌کنند و ۱۷ نفر به شهادت می‌رسند. داعش مسئولیت حمله را بر عهده می‌گیرد، اما مقامات تهران انگشت اتهام را به سمت عربستان می‌گیرند. مدتی قبل از این حادثه ایران، عربستان سعودی را متهم کرده بود که با دایر کردن کنسولگری و ایجاد پایگاه نظامی در اربیل عراق در حال حمایت از گروه‌های مسلحانه‌ای است که علیه ایران می‌جنگند. حسین دهقان وزیر دفاع ایران گفته بود که اگر عربستان سعودی اقدامی شتابزده انجام دهد تمام عربستان سعودی غیر از مکه و مدینه را با خاک یکسان خواهند کرد. حمله به مجلس در تهران به پای عربستان نوشته می‌شود. سپاه نیز در بیانیه‌اش آمریکا و عربستان را متهم اصلی معرفی می‌کند. خبرگزاری آناتولی در یادداشتی می‌نویسد: «اگر تهران بخواهد انتقام حادثه پارلمانش را در خاک عربستان بگیرد جنگ منطقه‌ای شروع می‌شود.» «اناتولی» اعتقاد دارد جنگ ایران و عربستان جنگی در ابعاد کلاسیک نخواهد بود و تمام منطقه را درگیر خود خواهد کرد.

غیبت میانه‌روها

«به ملک فهد که به سختی نشست و برخاست می‌کرد، سلام‌های آقای هاشمی رئیس‌جمهور را ابلاغ و اضافه کردم ایشان بنای میزبانی از برادرانشان، رؤسای کشورهای اسلامی در قالب برگزاری نشست سران کنفرانس اسلامی در ایران را دارند و به سن مأموریت دادند که قبل از طرح با سران دیگر کشورها، نظر جنابعالی و حضورتان را در این اجلاس جویا شود آشوم.ا. ملک فهد گفت: «شبی جید» (چیز خوبی است).» این بخشی از خاطرات منوچهر منکی است. او سال ۱۳۷۰ پیام هاشمی را به ملک فهد رسانده بود. رابطه آشتی‌جویانه از یک بر خورد و دست دادن در سنگال شروع شده بود. هاشمی سعی می‌کرد ایران و عربستان را کنار هم قرار دهد. او به خوبی می‌دانست این رابطه تنها با حفظ یک دیالوگ مشترک امکان‌پذیر است او خوب به خاطر داشت که ملک فهد بنیان

از این‌ها به او گفته بوده که امکان ندارد توپند با ایرانی‌ها کار کند. برای همین سعی می‌کرد مشترک‌کات میان دو کشور را به شدت پررنگ کند. وقتی که روابط دو کشور بهبود پیدا کرد، هاشمی رفسنجانی و جانشین ملک فهد که همان ملک عبدالله بود در نامه‌نگاری‌هایی که با هم داشتند یکدیگر را «برادر» یا «سرمایه‌ای برای جهان اسلام» خطاب می‌کردند. روابط بین ایران و عربستان به قدری گرم شد که ملک عبدالله وقتی به تهران می‌آید با همسرش به خانه هاشمی می‌روند؛ هاشمی هم که به عربستان می‌رود مهمان اختصاصی عربستان است و مدتی باغ فدک به وی او باز است. حتی در آذر ۹۲ که رابطه دو کشور به‌شدت خمشانه است، هاشمی به فاینشال تایمز گفته بود: «حاضر است میانچی باشد». پیش‌نهادی که هیچ‌گاه کسی درباره‌ش صحبت نکرد. در دوران اصلاحات هم البته رابطه مسالمت‌آمیز است و حسن روحانی از سوی ایرانی‌ها و سعود فیصل‌ وزیر خارجه عربستان رابطه دو کشور را تنظیم می‌کنند. اما مدت‌هاست جای یک مذاکره‌کننده و یک میان‌رو در دو کشور خالی است. تمام توان ایران معطوف به پرورنده هستی‌ای بوده‌است و انگار جایی برای دیپلماسی به همسایگان وجود ندارد؛ حتی در همان پرورنده برجام نیز نقش عربستان نادیده گرفته شد. وقتی ایرانی‌ها در هتل کوبورگ مشغول مذاکره

جنگ در زمین پارلمان

فضای رابطه به شدت تیره و تار است. خردادماه امسال بن سلمان می‌گوید جنگ را به داخل مرزهای ایران می‌کشاند. چند روز بعد داعشی‌ها

کشور امتیازگیری کند و با تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای ایران را محدود کنند تا نتوانند از این طریق مشکلات خود را با ایران حل و فصل کنند. پیش‌تر نیز ایران و عربستان سابقه قابل‌در صحنه لبنان را داشته‌اند که مهم‌ترین آن، حمله اسرائیل به حزب‌الله بود. اما موقعیت کنونی حزب‌الله در لبنان تفاوت عمده‌ای با قبل دارد؛ اکنون حزب‌الله مشروعیت داخلی بالایی دارد و یکی از بازیگران مهم عرصه سیاست در لبنان رفت.

واقعیت امر این است که شرایط منطقه به‌گونه‌ای نیستت که واشنگتن بتواند به آسانی این استراتژی را اجرائی کند؛ آن‌هم درحالی‌که ایران، ترکیه و عراق در مسئله کردستان و ایران، روسیه و ترکیه در مسئله سوریه همراهی و همکاری می‌کنند. در نتیجه عربستان نیز نمی‌تواند روی این سناریو و بازی آمریکا حساب باز کند.

بودند این وزیر خارجه عربستان بود که دائماً به محل مذاکرات سفر می‌کرد و با عصبانیت به جان کری می‌گفت: «در برجام جای خلیج فارس) کجاست؟ چرا منافع ما را در نظر نمی‌گیرید؟» او با دست خالی به کشورش باز می‌گشت و برای زمین زدن برجام حتی حاضر بود در کنار میز مذاکره با اسرائیلی‌ها بنشیند. جهان عرب برای آمریکا اهمیتی نداشت و عربستان هم سعی می‌کرد تنش با ایران را بیشتر و بیشتر کند. با روی کار آمدن ترامپ عربستان جان دوباره گرفت. آنها می‌خواستند جنگ سرد را تمام کنند و اگر لازم شد با ایرانی‌ها وارد جنگ سخت نیز شوند. ترامپ نیز چون برجام را برای آمریکا مفید نمی‌دانست بدش نمی‌آمد فضا را داغ‌تر کند. باز هم در تهران و در ریاض و در فضای جهانی میانه‌روها غایب بودند و میدان لحظه به لحظه به جنگ نزدیک‌تری می‌شود.

پای روس‌ها هم در میان است

تنش‌های جدید میان ایران و آمریکا فقط با بازیگری آمریکایی‌ها ممکن استت به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شود؟ پاسخ منفی است. روس‌ها نیز بدشان نمی‌آید ایران و عربستان وارد جنگ شوند. «بیزنس اینسایدر» می‌نویسد: «اگر آمریکا و کراین را رها نکند مسکوان را اعلان جنگ تلقی می‌کند. این اقدام نه تنها تنش را در منطقه افزایش می‌دهد که کرملین را وادار به پاسخی نامتقارن علیه واشنگتن و متحدانش در دیگر جبهه‌ها می‌کند.» یوگنی بوژینسکی ژنرال بازنشسته ارتش روسیه که اکنون در یک انستیتو پژوهشی مشغول به کار است گفت: «مسکو تسلیح و کراین توسط آمریکا را حضور مستقیم این کشور در درگیری‌ها تلقی می‌کند.» یک عضو هیأت مشاوران وزارت دفاع روسیه که حاضر به افشای نامش نبود در سال ۲۰۱۳ به روزنامه روسی مسکو تایمز گفته بود: «در صورتی که آمریکا به تسلیح و کراین بپردازد، مسکو به درخواست همیشگی چنین‌ها برای ارائه تکنولوژی‌های برتر دفاعی پاسخ مثبت می‌دهد. وی گفته بود این تکنولوژی به چین در ساخت سلاح‌های ا قادر به ضربه جدی به نیروی دریایی آمریکاست، کمک قابل توجهی می‌کند. این‌مقام وزارت دفاع روسیه ادامه داده بود ما می‌توانیم ایران را تشویق به جنگ با عربستان سعودی یا از آنها در این نبرد حمایت بکنیم، در این صورت قیمت نفت افزایش بسیاری خواهد داشت.

سایه جنگ روی سر منطقه

صدای جنگ را می‌توانیم بشنویم. رقابت ایران و عربستان برای هژمونی منطقه‌ای موضوع تازه‌ای نیست، اما اکنون به بخش‌های مختلفی از منطقه سرایت کرده است. جیدو استینبرگ کارشناس امور خاورمیانه در مؤسسه آلمان برای امور بین‌الملل و امنیتی، می‌گوید که حتی فضا از زمان حمله آمریکا به عراق نیز خطرناک‌تر است. منطقه انبار باروتی است که تنها یک دیالوگ مشترک بر اساس منافع و هنجارها می‌تواند آن را از فروپاشی نجات دهد. اگر جنگ در منطقه روی دهد، دامن همه را خواهد گرفت، جنگی که پایان آن برای همه بازیگران نامشخص است.

ائتلاف کشورهای عربی به رهبری عربستان بیانه صادر کرده، آنها می‌گویند ایران به عربستان تعرض کرده است و فرمانده جنگ یمن است. تهران در جواب به جای شفاف‌سازی ماجرا می‌گوید این بیانه تحریک آمیز است!

آقای هاشمی قرار بود دیداری با ملک عبدالله داشته باشد. نهار در جده مهمان او بودیم؛ آقای عبدالله ضیافت خصوصی فراهم کرد، من و هاشمی و یک نفر دیگر در این جلسه بودیم. آقای هاشمی مسئله را بیان کرد. امیر عبدالله گفت ما با وهابی‌ها توافق کرده‌ایم، به مسائل دینی کار نداشته باشیم. آنها هم برای ما مسئله‌ای ندارند؛ ولی چون شما خواسته‌اید به آنها هم می‌گوییم. از جده به سوی مدینه پرواز کردیم. شاید ۲۰ دقیقه در راه بودیم. به محض ورود به مدینه امیر مدینه به استقبال ما آمد و در فرودگاه گفت امیر دست‌نور داده هر چه شما می‌خواهید انجام دهیم. آقای هاشمی بحث زائران را مطرح کرد و تا ساعت ۱۱ شب همه چیز تغییر کرد. حدود ۱۵ هزار ایرانی که در مدینه بودند توانستند به بقیع بروند و در‌ها باز شد.

هاشمی گفته بود می‌تواند میانچی‌گر اختلافات با عربستان باشد. آیا به یاد دارید دولت‌ها از او خواسته باشند که به این مسئله ورود کند؟

خیر، هیچ‌گاه هیچ دولتی از او نخواستت که وارد این مسئله شود. زمانی که احمدی نژاد روی کار بود، کنفرانس علمی‌ جهان اسلام در مکه برگزار شد؛ امیر عبدالله از هاشمی دعوت کرد، و ایشان سخنرانی تأثیر گذاری انجام داد، در همان جا

بازیگران مهم خاورمیانه هستند. اگر این دو با هم باشند امنیت منطقه برقرار خواهد بود. این موضوع را اعراب منطقه نیز درک می‌کردند و بر خلاف وسوسه‌ها و خواسته‌های غربی‌ها سعی می‌کردند رابطه خود را با تهران مستحکم کنند. شیخ ابوظبی به من می‌گفت که شما چرا با ما دیدار نمی‌کنید، دربار، چرا شما نمی‌آید، مدام غربی‌ها توی گوش ما می‌خوانند شما خطر ما هستید، اما ما می‌دانیم چنین نیست، شما باید با ما صحبت کنید. این شیوه مذاکره و مصالحه هاشمی جواب داده بود. ما نتشی در منطقه به آن صورت که مشکل‌ساز شود نداشتیم. هاشمی سعی می‌کرد یک دیالوگ بر اساس منافع علمی با اعراب ایجاد کند. هاشمی در جلسات خصوصی به سران عرب چه می‌گفت؟

یادم هست در سفری که به عربستان برای حج داشتم در مدینه نسبت به خانم‌ها طی زیارت بقیع سختگیری می‌شد. کلاً به زائران ایرانی مأموران عربستانی سختگیری می‌کردند. از سازمان حج و زیارت تماس گرفتند و گفتند چاره‌ای بیندیشید.

گفت‌وگو

روایت محمد هاشمی از یک میانچی‌گر

هیچ کس از آیت‌الله نخواست که وساطت کند

جامعه فردا: او خودش را میانچی‌گر رابطه با اعراب

می‌دانست. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از میان

انقلابی را مصالحه را برگزیده بود و می‌خواست با شیوخ حاشیه خلیج فارس ارتباط همیانه ایجاد کند و پس از دوری از قدرت همچنان سعی می‌کرد این رابطه‌های خاص را حفظ کند، حتی در آبان ماه سال ۹۳ که روابط تهران و ریاض به خاطر حکم اعدام شیخ نمر به‌شدت متشنج بود او برای پادشاه عربستان نامه نوشت از او خواست فتنه‌های اسلامی را بزداید. محمد هاشمی، برادر او، درباره نقش میانچی‌گرانه او می‌گوید: «او روان‌شناسی اعراب را به خوبی می‌دانست.» رئیس سابق سازمان صدا و سیما می‌گوید در تمام دوران حضور در سازمان اجازه ندادم خبری علیه عربستان منتشر شود.

روابط تهران و ریاض به‌شدت متشنج است و جای خالی یک میانچی‌گر بین دو کشور به‌شدت خالی است و همین باعث شده آتش زیر خاکستر در حال شعله‌ور شدن باشد:
آقای هاشمی همواره سعی می‌کرد